

«شما باید عظمت آن چه دارید را بشناسید و نعمت‌های بزرگی که خدا به شما داده و بر شما منت گذاشته را قدر بدانید. انسان غالباً به استغراق مبتلا می‌شود ماهی تا وقتی که در آب است، متوجه نعمت آب نمی‌شود چون در آب به دنیا آمده و در آب زندگی می‌کند، وقتی آب را از دست می‌دهد تازه می‌فهمد آن چه طبیعی و عادی حساب می‌کرده، سبب بقا و حیاتش بوده است... مردم ایران در دولتی زندگی می‌کنند که اسلام بر آن حاکم است و از عزت، کرامت و آزادی برخوردارند. ایران دارای ملتی مستقل و دولتی مستقل است و مثل قلعه‌ای استوار در برابر همه فشارها ایستاده است و جز در مقابل خداوند سر فرود نمی‌آورد، این خودش از بزرگ‌ترین نعمت‌هاست. اگر ایرانیان از ایران بیرون بیایند و از نزدیک نسبت به مسائل اطلاع پیدا کنند، نه این که به صورت گذرا و از دور با بعضی جلوه‌های جذاب فریفته شوند، می‌بینند که بسیاری از حکومت‌ها و بسیاری از مردم دنیا از مشکلات و گرفتاری‌های مختلف رنج می‌برند؛ از ناامنی و مشکلات داخلی و بحران‌های گوناگون. وقتی برگردند به مملکت خودشان می‌فهمند و درمی‌یابند که نعمت‌هایی در دسترس آن‌هاست که بسیاری از مردم دنیا از آن برخوردار نیستند. این نعمت‌ها را باید حفظ کرد تا باقی بمانند و شرط حفظ آن‌ها شکر این نعمت‌هاست. نعمت‌ها با شکر کردن و پاسداری و حساسیت داشتن نسبت به آن‌ها می‌مانند»^۱

شاید فکر کنید این جملات را یکی از مسئولان رده بالای دولتی یا فلان نماینده مجلس و یا یکی از ائمه جمعه کشور گفته است، اما نه، اشتباه کردید! این جملات صریح و ساده را غیرایرانی گفته است؛ کسی که امروز همه او را می‌شناسند و دوستش دارند؛ مظهر مقاومت و غرور اسلامی، درست حدس زدید، سیدحسن نصرالله؛ شخصی که او را مغز متفکر حزب‌الله و نماد مقاومت اسلامی می‌خوانیم؛ شخصیتی که «روبین رایت» خبرنگار معروف بخش سیاسی روزنامه واشنگتن پست درباره‌اش می‌گوید: «واقعیت این است که نصرالله مرد خدا، اسلحه و سیاست است. او حد وسط میان شخصیتی چون امام خمینی (ره) و «ارنستو چه‌گوارا» است»^۲

سیدحسن نصرالله نیازی به این تعریف و تمجیدها ندارد منتها از آن جهت که گفته‌اند

«انظر الی ما قال...» این مقدمه را آوردم و حالا ادامه سخنان او با ملت ایران: «در ایران مقام معظم رهبری و بسیاری از بزرگان دیگر، شخصیت‌های کم‌نظیری هستند. شما اگر در جهان عرب و جهان اسلام و تمام دنیا بگردید نعمت‌هایی مثل آن‌ها را پیدا نمی‌کنید ولی در ایران، بعضی افراد فکر می‌کنند این مسأله یک موضوع عادی و طبیعی است...»

به هر حال حرف من با مردم ایران، مخصوصاً با جوانان ایران است که در اهمیت آن چه همین حالا در اختیار دارند تأمل نکنند و فکر کنند و مراقب آن باشند و بدانند که در دنیایی که آمریکا می‌خواهد سلطه و قدرت خود را بر همه مسلط کند، ملت‌های آزاده جهان و ملت‌هایی که می‌خواهند آزاد باشند و دنبال آقایی و عزت خود هستند با ایرانی‌ها پیوند دارند»^۳

سیدحسن به هیچ وجه اهل غلو و بزرگ‌نمایی نیست و این را در جنگ ۳۳ روزه با چهارمین ارتش مجهز جهان به همه ثابت کرد او به چیزی که می‌گوید اعتقاد دارد و به این اعتقاد عمل می‌کند. نصرالله با مشاهده عظمت امروز ایران در دنیا و به‌ویژه جهان اسلام خوب می‌داند که ملت ایران و به ویژه جوانان ایرانی از بسیاری از نعمت‌ها بهره‌مندند اما متأسفانه تا حدودی از آن‌ها غافلند و اندکی هم ناسپاس!

در این یادداشت کوتاه به هیچ وجه قصد برشمردن پرکات و ثمرات انقلاب اسلامی در طول سده پرفراز و نشیب آن را ندارم اما به اجمال می‌توان ادعا کرد که انقلاب، تحولی در داخل و خارج کشور پدید آورد که امروز حتی دشمنان سرسخت نظام هم به آن اذعان دارند. در این جا از حاج آقا قرائتی مثال قشنگی را وام می‌گیرم:

«کشور ما مثل اتوبوسی است که رهبر و مسئولان رده بالای آن همگی سوارند و به عنوان راننده این اتوبوس، ما را به مقصد می‌رسانند، اما اگر در داخل این اتوبوس چند نفر آدم نامناسب و نامطلوبی هم باشد مانع از سالم به مقصد رسیدن اتوبوس نمی‌شود. ما باید در

اصلاح خودمان بکوشیم و الا کشور و راه و مسیر آن درست است.»
سخن امام عزیزمان را از یاد نبریم که می‌فرمود: «آن دردی که برای ملت ما پیش آمده و الآن به یک حالت مرض تقریباً مزمن درآمده، این است که کوشش کردند غربی‌ها که ما را از خودمان بی‌خود کنند و ما را تهی کنند و به ما بفهمانند که خودتان هیچ نیستید و هر چه هست غرب است و شما باید رو به غرب بایستید...»^۴

آن یار سفرکرده به مسأله بی‌اعتمادکردن جوانان نسبت به آینده کشور پیوسته تذکر می‌داد: «تلیغات دامنه داری از سوی غرب وجود دارد که اعتماد به کشور را از جوانان ما بگیرند تا این‌ها دیگر اتکایی به کشور خودشان نداشته باشند.»^۵

امام راحل، خودبینی‌های را اهرم غرب برای مقابله با خودباوری ایرانیان می‌دانست.

در پایان بهتر است یکبار دیگر صحبت‌های سیدحسن را مرور کنیم به‌ویژه آن‌جا که می‌گفت: «...این نعمت‌ها را باید حفظ کرد تا باقی بمانند و شرط حفظ آن‌ها شکر این نعمت‌هاست. نعمت‌ها با شکر کردن و با پایداری و حساسیت داشتن نسبت به آن‌ها باقی می‌مانند».

پی‌نوشت‌ها

۱ و ۲. بخش‌هایی از مصاحبه اختصاصی ویژه‌نامه نوروزی ۸۵ همشهری با سیدحسن نصرالله در لبنان.

۳. صحیفه نور، ج ۹، ص ۲۵. ۴. همان، ج ۷، ص ۷۲.

امان از استغراق

در حاشیه سخنان سید حسن نصرالله

سید محمد مهدی موسوی

